

مطالبه خسارات و هزینه‌های درمانی با وجود پرداخت دیه در فقه اسلامی و حقوق موضوعه

حسین کیانی

دانشجوی ترم ۷ حقوق ثبت اسناد و املاک دانشگاه علمی کاربردی انصار المهدی نیروی انتظامی اصفهان

چکیده

از جمله مسائل مبتلابه در مسائل فقه و حقوق بحث پرداخت دیه در صدمات بدنی یا نقص عضو است یکی از مهمترین این سوالات که بررسی تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد آن است که آیا میتوان در صدمات جسمانی علاوه بر دیه خسارتی دیگر را مطالبه کرد؟ گاهی مشاهده میشود شخصی که در حادثه یا نزاعی مصدوم یا مضرور شده است و از شرایط تحقق دیه برخوردار است با مشکلی به نام خسارات مازاد بر دیه مواجه است چرا که دیه تعلق گرفته قادر نیست خرج و مخارج معالجات و بیمارستان و خسارات وارده را تأمین کند و شخص مصدوم یا مضرور علاوه بر تحمل رنج و مشقت باید هزینه‌های معالجه و درمان را که به مراتب از دیه اخذ شده بیشتر است، خود بپردازد.

واژه‌های کلیدی: خسارات - هزینه‌های درمانی - پرداخت دیه - فقه اسلامی - حقوق موضوعه

مقدمه

یکی از اهداف وضع دیه یعنی جبران خسارت کامل مجنی علیه یا اولیای وی را تأمین کند، با تمسک به قواعد عام مسئولیت مدنی و اینکه هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند، زیان دیده میتواند خسارات مازاد بر دیه را مطالبه نماید. در حال حاضر جبران خسارات افراد صدمه دیده از طریق اعاده وضع به سابق یا جبران عینی و گاه از طریق مرحله بعدی یعنی جبران مثلی ممکن است، بنابراین، در این موارد، در صورت اثبات این امکان نوبت به مرحله سوم یعنی جبران قیمی و مصداق آن یعنی «دیه» نمیرسد. البته این به معنای تغییر حکم دیه نبوده و با توجه به امضائی بودن آن و تغییر آن و امکان بر حسب تغییر، شرایط زمان و مکان منافاتی با دائمی بودن احکام شرعی ندارد در واقع تغییر ناظر به موضوع است نه حکم در مورد موضوعات تاکنون اجرای روشهای اول و دوم یعنی دو روش مقدم به حکم عقل و شرع امکان پذیر نبوده و به ناچار مرحله سوم اجرا میشده است ولی امکان اجرای مراحل سابق در زمان دیگر با این امر منافاتی ندارد. البته شایان ذکر است که اولاً- نهاد دیه به لحاظ آن که روش یکسانی برای موارد نزدیک به هم لحاظ نموده و از قبل، میزان خسارت را معین کرده نهادی کاملاً ارزشمند و منطقی است و سریع تر از نگاه شخصی به جنایات و ارزیابی موردی میتواند حقوق مجنی علیه را تأمین نماید؛ ثانیاً- مراجعه به مراحل پیشین، تنها ناظر به صورت اثبات امکان آن است و گرنه هنوز بهترین و عاقلانه ترین روش جبران همان پرداخت دیه است؛ ثالثاً- در صورتی که بخشی از عضو یا منفعت یا هر دو یا یکی از آن، دو درمان پذیر، نباشد، به همان نسبت همچنان دیه بهترین روش جبران است؛ رابعاً- دیه، در طول درمان عضو و منفعت آن است و اگر درمان با هزینه ای کمتر از دیه صورت گیرد نمیتوان عامل را به تأدیه دیه ملزم نمود. نیز اگر درمان با هزینه بیشتر از دیه صورت پذیرد، نمیتوان میان هزینه های درمانی و دیه جمع کرد و باید به جبران مقدم یعنی درمان اکتفا نمود، البته اگر با وجود صرف هزینه عضو یا منفعت آن هیچگونه بهبودی، نیابد حکم، صرفاً پرداخت دیه است و این هزینه ها قابل مطالبه نیست در مقابل، حتی اگر درمان منوط به هزینههای فوق العاده، باشد میتوان عامل را به تأدیه آن ملزم نمود. نمود شکی نیست که با وجود مقررات فعلی قانون مجازات اسلامی و نسخ ضمنی مقررات قانون مسئولیت مدنی در باب صدمات، بدنی در حال حاضر، محاکم براساس مقررات دیات در تمامی موارد رسیدگی و انشای حکم می نمایند.

خسارت معنوی وارد بر اشخاص حقیقی سه نوع است:

۱- خسارت جسمانی یا صدمه بدنی ۲- خسارت روحی - خسارت شخصیتی که به آن دارایی یا سرمایه معنوی گفته شود.

خسارت جسمی

یا صدمه بدنی در حقوق ایران در هیچ متن قانونی درباره ماهیت صدمه های بدنی اشاره ای نشده است سلطانی، نژاد ۱۳۹۴: ۲۰۵/۱) حقوقدانانی که در این باره اظهار نظر کرده اند اینگونه خسارتها را دارای ماهیت مادی (جعفری) لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱۹۹/۱) از هر دو نوع خسارت مالی و معنوی و به عبارتی مختلط به حساب آورده اند. اولاً: هرچند جسم انسان از عناصر مادی تشکیل شده است ولی به هیچ عنوان مال محسوب نمی گردد تا صدمه وارد بر آن مالی یا مادی به حساب آید بنابراین قتل، ضرب، جرح، قطع عضو و نقص آن یا صدمات دیگر را نمیتوان خسارت مالی یا مادی نامید. ثانیاً همراه بودن خسارتهای بدنی با خسارتهای مالی ناشی از بستری شدن، هزینه معالجه بیکاری، مراقبتهای ویژه و مانند آن نباید موجب یکی دانستن دو نوع خسارت گردد. زیرا در بسیاری موارد ممکن است صدمه بدنی منجر به زیان مالی نشود، به عنوان مثال: ضرب و ایراد جرح یا تغییر رنگ پوست و یا آسیب ساده یک عضو بدن ممکن است هیچ نوع ضرر مالی به دنبال نداشته باشد. از سوی دیگر وجود دو خسارت با ماهیت متفاوت در یک حادثه باعث تغییر ماهیت آن دو و یکی شدن آنها نمی شود.

در بسیاری از نظامهای حقوقی، صدمات بدنی از انواع خسارات معنوی محسوب شده مهمترین عنصری که در این قبیل صدمات مورد توجه قرار گرفته درد و رنج است. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۱/۱۳۰).

خسارت روحی

یکی از انواع خسارت، معنوی صدمه روحی و روانی وارد بر زیان دیده می باشد که در اثر عوامل گوناگون و با مراتب مختلف بر او وارد میشود؛ از یک رنج و ناراحتی ساده تا غم و اندوهی جانکاه که به نوبه خود باعث اختلال فکری و یا جنون آسیب دیده میگردد. (نقیبی، ۱۳۸۸: ۱۷۷)

برخورداری از تعادل روحی و روانی لازمه توفیق در تنظیم امور شخصی و اجتماعی است کسی که در اثر حادثه ای دچار افسردگی اختلال، حواس حیرت و شگفتی، یأس و ناامیدی، رنج روحی و غم و اندوه و سایر آسیبهای روانی میگردد از ساماندهی رفتار و ابعاد مختلف زندگی محروم می شود.

هزینه های معالجه و توان بخشی خسارتی که مجنی علیه در مقام درمان خود متحمل شده است. از مصادیق آشکار زیانهای است که به دنبال جنایت واقع می گردد و از این رو، موضوع جبران خسارتهای مذکور طرح دیدگاههای متفاوتی را به ویژه در جهت حمایت از مجنی علیه برانگیخته است قانونگذار در ماده ۴۵۶ لایحه قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۵۷ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی رسید و سپس مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد، آورده است: «هرگاه هزینههای متعارف معالجه مجنی علیه بیش از دیه باشد، علاوه بر دیه، خسارت ملزوم نیز باید از باب قاعده لاضرر با اخذ نظر کارشناس و با حکم دادگاه تعیین و بدون رعایت موارد مقرر برای پرداخت دیه توسط مرتکب پرداخت گردد. در این مورد تفاوتی میان جنایت خطای محض شبه عمدی و عمدی موجب دیه نیست». برخی از حقوقدانان چنین برداشت کردهاند که ضمان هزینه درمان به قدر دیه است و جز آن چیزی بر جانی ثابت نیست (علامه مجلسی، ۱۴۰۹: ۲۰۰).

به اجماع فقیهان امامیه (موسوی عبدالکریم جانی را نسبت به هزینه های درمان ضامن شمرده اند و بر این باورند که در کتاب و سنت در برابر جنایت به قصاص یا دیه اکتفا شده است و شارع در مقام بیان جبران صورتهای گوناگون زیادی ناشی از جنایت، به هزینه های معالجه اشاره نکرده است و از آنجا که اقتضای بر دیه در این مقام مانند تصریح به عدم ضمان نسبت به هزینه های مذکور است فقهای اسلامی بدون اختلاف سقف بودن دیه نظر داده بر اند و آن را همه چیزی دانسته اند که مجنی علیه به سبب جنایت استحقاق می یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۶۸/۲).

اسناد هزینههای درمان به جانی و احراز تعدد موضوع ضمان

ثبوت ضمان جانی نسبت به هزینه های معالجه و توان بخشی به دو شرط اساسی منوط باشد:

۱- اسناد هزینههای درمان - ۲ احراز تعدد موضوع ضمان

ضرورت اسناد هزینه های درمان به جانی مقصود از درمان و معالجه اقداماتی است که پیش از تمام شدن اثر جنایت و با هدف جلوگیری از سرایت زیان و یا کاهش نتایج زیانبار و صدمات ناشی از فعل جانی انجام میشود در این گونه موارد جانی نسبت به هزینه های انجام شده در مقام، درمان نقش (سبب خواهد داشت؛ زیرا بیش از موقعیت شرط در اقدامات استعلاجی مذکور مدخلیت داشته و به شکل مؤثری کارآمد بوده است. تأثیر جنایت در انجام اقدامات درمانی به ویژه از آن جهت است که در غالب موارد، جانی با ایجاد تنگنا و ضرورت ناشی از جنایت، مجنی علیه را به نوعی به پیشگیری از سرایت و توسعه آثار زیانبار جنایت واداشته است؛ زیرا خطر و تهدید سری، جنایت پس از فعل جانی همچنان موجود است و مجنی علیه در این وضعیت

مانند کسی است که در شرایط اضطرار تهدید به منظور دفع ضرر شدیدتر ناگزیر از انجام اقداماتی شده است. در این صورت ایجاد کننده شرایط اضطراری، هرچند انجام فعل اضطراری اقدامات (درمانی را طلب نکرده باشد، بدون شک سبب حدوث آن را فراهم کرده است. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۵: ۱۲۵). بنابراین نسبت به آن ضامن است و این با مواردی که مجنی علیه پس از تمام شدن جنایت و با هدف جبران و ترمیم صدمات وارده و اعاده حتی المقدور وضع سابق اقدام میکند متفاوت است؛ زیرا با تمام شدن جنایت، جانی به وسیله آن جنایت فقط شرط «اقدامات بعدی مجنی علیه را باعث شده و هیچ نقش سببی را نداشته است.

تعدد موضوع ضمان در مواردی که هزینه‌های مربوط به اقدامات استعلاجی در طول جنایت ارتكابی بوده به جنایت جانی مستند باشد، اگر زیانهای مذکور جزئی از موجب دیه و بخشی از علت ثبوت آن قلمداد گردد موضوع ضمان واحد قلمداد می شود و جز دیه مقدر، جانی نخواهد بود؛ ولی اگر مورد از مصادیق تعدد موضوع محسوب شود، این گونه هزینه ها علاوه بر موجبات دیه یا، قصاص خود باعث و علت نوینی است که باید از سوی جانی جبران شود زیرا در این صورت هزینه‌های درمان خود ضرر مستقلی است که با پرداخت دیه یا

اجرای قصاص جبران نشده باقی مانده است. صفایی، ۱۳۷۶: ۲۳۳).

حادثه ناشی از کار و هزینه‌های معالجه و توان بخشی حادثه ناشی از کار عبات است از اتفاق یا پیامدی که در جریان انجام کار پدید آمده و با صدمات شغلی مرگبار یا غیر مرگبار همراه باشد. می

مطابق ماده ۶۰ قانون تامین اجتماعی حوادث ناشی از کار حوادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق می افتد. مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا موسسات وابسته یا ساختمان ها و محوطه آن مشغول به کار باشد و یا با دستور کارفرما و خارج از محوطه کارگاه عهده دار انجام ماموریتی باشد، اوقات مراجعه به درمانگاه و بیمارستان و یا برای انجام معالجات درمانی و توانبخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه جزء اوقات انجام وظیفه محسوب می گردد. مشروط بر اینکه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد حوادثی که برای بیمه شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان و مساعدت به آنان اتفاق می افتد حادثه ناشی از کار محسوب می شود. مسئولیت کیفری حادثه، حسب نظر بازرسان کار یا کارشناس رسمی دادگستری و بر اساس رای قضایی بر عهده مقصر یا مقصرین حادثه است. حسب ماده ۹۵ قانون کار مسئولیت اجرایی مقررات و ضوابط فنی بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کار فرما یا مسئولین واحد، حادثه ای رخ دهد شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات های مندرج در این قانون مسئول است هزینه‌های معالجه شخص حادثه دیده پرداخت شود. ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی بیمه شدگان و افراد خانواده آنها از زمانی که مشمول مقررات میگردند در صورت مصدوم شدن بر اثر حوادث یا ابتلا به بیماری می توانند جهت معالجه از خدمات پزشکی استفاده نمایند خدمات پزشکی به عهده صندوق تامین اجتماعی است که شامل کلیه اقدامات درمانی تحویل داروهای لازم و انجام آزمایشات تشخیص طبی جهت معالجه می باشد.

هزینه های معالجه و توانبخشی بر عهده بیمه میباشد بیمه مسئولیت ، بیمه ای است که به موجب آن بیمه گر متعهد می شود که هر گاه بیمه گذار در عقد معین به سبب تخلفی از تعهد خود ملزم به پرداخت خسارتی به نفع متعهد زیان) (دیده آن عقد گردد بیمه گر آن خسارت را بپردازد در خصوص بیمه مسئولیت مدنی حوادث ناشی از کار عبارت است از مسئولیتی که کارفرما در صورت مقصر بودن خودش از یکی از شرکت های بیمه خریداری می نماید یا به عبارتی دیگر مسئولیت خود را در مقابل

کارگران به شرکت بیمه واگذار می نماید مطابق ماده ۷۹ قانون کار به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است و چنانچه حادثه ای رخ دهد به موجب تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی وارد کننده خسارت مسئول است. تعیین میزان دیه در حوادث ناشی از کار با توجه به دستور قاضی پرونده تعیین ارش دیه در حوادث ناشی از کار توسط پزشک قانونی مشخص و صدور رای بر عهده مقام محترم قضایی است مطابق ماده ۷ قانون ماده تامین، اجتماعی بیماری وضع غیر عادی جسمی یا روحی است که انجام خدمات درمانی را ایجاب میکند یا موجب عدم توانایی موقت اشتغال به کار می شود یا اینکه موجب هر دو در آن واحد می گردد. عوارضی که به مرور زمان به تاثیر از آلاینده های محیط کار در فرد ایجاد می شود. مرجع رسیدگی به آن کمیسیون های پزشکی یا شواری پزشکی می باشد. به استناد ماده ۲۹۵ قانون مجازاتهای اسلامی کارگر میتواند برای اخذ دیه از طریق مراجع قضایی اقدام نماید و ملاک برای مراجع قضایی است.

خسارت مربوط به درد و رنج بیماری یا آسیب وارده

در حقوق ایرانی ارزیابی خسارتهای درد و رنج به طور کلی و به عنوان بخشی از خسارت های معنوی در کتب حقوقی مطرح گردیده است. در این تحقیق در صدد بیان جبران و ارزیابی خسارتهای شده ایم همچنین مطالعه نشان میدهد که جبران اینگونه خسارت ها در بسیاری از کشورها بدون تردید پذیرفته شده است. خسارتهای درد و رنج یکی از متداول ترین انواع زیانهای است که در روابط افراد با یکدیگر به بار می آید اهمیت بررسی اینگونه خسارتهای به این دلیل است که از یک سلامت روانی افراد یک جامعه ضامن پیشرفت و توسعه آن جامعه میباشد و از سوی دیگر جبران خسارت همواره به عنوان یکی از اهداف اصلی حقوق که همانا برقراری عدالت و حتی الامکان اعاده وضع اشخاص زیان دیده به حال سابق میباشد مورد توجه بوده است. (کتوزیان، ۱۳۷۱)

درد و رنج یک عبارت حقوقی است که در تعریف درد و رنج گفته شده است: تمام مصائبی که شخص ممکن است در اثر یک حادثه متحمل آن شود چراکه مصائبی که شخص در اثر یک حادثه ممکن است تحمل کند زیانهای مالی و صدمه به جسم را هم علاوه بر درد و رنج ناشی از آن در بر می گیرد.

رنج مفهوم وسیع تری دارد که ابعاد بیشتری را نسبت به درد در بر می گیرد و عوامل بالقوه بسیاری دارد که درد یکی از آنهاست. در حقیقت همه دردها باعث رنج نمی شوند و همه رنج نشأت گرفته از درد نیستند. غذاب روحی (رنج) عذاب جسمی (درد) رنج عبارت است از درد به اضافه اضطراب و دلشوره و اضطراب باعث می شود شخص به آینده بیاندیشد و همیشه در انتظار اتفاقی ناخوشایند در آینده باشد. برای مثال شخصی را در نظر بگیرید که مدال طلای المپیک را برده است و روز بعد از مسابقه احساس کوفتگی و درد میکند و یک بیمار سرطانی نیز ممکن است به اندازه همان ورزشکار احساس رنج کند اما رنج بیمار سرطانی بیشتر است.

در حقوق ایران در تعریف خسارت معنوی گفته اند: «احساس درد جسمی و رنج های روحی، از بین رفتن آبرو، حیثیت و آزادی و ایجاد شرمساری». کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱/۱۴۶.

در تعریف خسارت درد و رنج میتوان چنین گفت: خسارت درد و رنج عبارت است از صدمه به منافع، عاطفی غیرمالی و احساس راحتی فرد» که شامل درد و رنج ناشی از صدمه جسمی درد و رنج ناشی از صدمه روحی میباشد نقیبی، ۱۳۸۸: ۱۹۸.

در نهایت و در نتیجه میتوان گفت: « ۱- ارزیابی دقیق خسارتهای درد و رنج به پول امکان پذیر نیست چراکه این خسارتهای خود ماهیت مادی نداشته و مرتبط با عواطف و احساسات اشخاص و یا احساس درد جسمی میباشد و راه حلهایی که برای ارزیابی اینگونه خسارت ها که به پول ارائه خواهد شد تنها راهنمایی است تا با کمک آنها حتی الامکان خسارتهای درد و رنج به پول تبدیل شده و جبران شوند ۲- ارائه راه حل برای ارزیابی خسارت های درد و رنج - ارائه راه حل برمبنای اشخاص صالح برای ارزیابی خسارت.

راه حل قضایی و فقهی

در این روش تعیین خسارت به قاضی سپرده میشود و چنانچه در عقد و یا در قانون مبلغ خسارت تعیین نشده، قاضی دارای صلاحیت لازم در سنجش و ارزیابی و تعیین مبلغ خسارت است و به آن حکم خواهد کرد.

برخی معتقدند که ارزیابی دقیق خسارتهای درد و رنج به پول امکان ندارد و تنها رأی که «منصفانه» دادگاه ها میتوانند انجام دهند این است که به یک مبلغ متعارف و معقول یا همه آنچه که قضاوت دادگاه ها می توانند رأی دهند. در حقوق ایران با استفاده از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی میتوان گفت به نوعی تعیین مبلغ خسارتهای درد و رنج در اختیار قاضی قرار گرفته شده است.

وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه در رابطه با خسارت مازاد بر دیه اختلاف عقیده ای که در زمینه ماهیت حقوقی و فقهی دیه وجود دارد، تأثیر مستقیمی بر رویه قضایی در خصوص امکان یا عدم امکان جبران زیان مازاد بر دیه، گذاشته است. در آراء دادگاههای بدوی غالباً ضرر و زیان مازاد بر دیه قابل مطالبه بوده است، اما شعبه های دیوانعالی کشور با احتیاط و احترام به سنت ها از تأیید آرای که به ضرر و زیان مازاد بر دیه اصدار یافته اند، خودداری ورزیده است. در خصوص مطالبه خسارات مازاد بر دیه باید گفت با نگاهی به مواد قانونی نظرات صاحب نظران آرای اصراری و وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه و نظرات مشورتی قضاوت به دست می آید که دو نوع برداشت کلی در این زمینه وجود دارد: برداشت اول مطالبه خسارات مازاد بر دیه مثل هزینههای دارو و درمان ضرر و زیان ناشی از آن و یا خسارات از کارافتادگی جایز نیست. در این برداشت، آرا و نظرات قضایی ذیل قابل توجه و تأمل است:

۱- رأی اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۱۱۰-۱۳۶۸،۹،۲۱-۱۳۶۸ اشعار می دارد: درخصوص مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، باتوجه به اینکه در جرایمی که مستلزم پرداخت دیه است شرعاً جز دیه خسارت دیگری نمیتوان مطالبه کرد... بنابراین حکم به پرداخت خسارت علاوه بر دیه وجه قانونی ندارد...

۲- رأی اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۱۶-۱۳۶۹،۵،۲-۱۳۶۹ نیز بیان داشته است: «دادگاه کیفری یک درمورد قطع نخاع که منتهی به از کارافتادن پاها شده است و همچنین برای هر یک از صدمات دیگر بر وفق قانون دیات حکم به پرداخت چند دیه صادر کرده است بنابراین در مورد از کارافتادن پاها که بر اثر قطع نخاع بوده است مطالبه ضرر و زیان دیگری علاوه بر دیه فاقد مجوز قانونی است.»

۳- همچنین رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۱۹-۷۶،۹،۲۸-۶۱۹ اظهار داشته است مستفاد از ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده به اعضای بدن دیه تعیین نشده باشد در ماده ۴۴۲ قانون مزبور برای شکستگی استخوان اعم از آنکه بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی بماند دیه معین شده است که حسب مورد همان مقدار دیه باید پرداخت، گردد تعیین مبلغ مازاد بر دیه با ماده مرقوم مغایرت دارد.»

۴- اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظر شماره ۷،۳۳۷۶ - ۸،۲۳،۱۳۶۲ بیان داشته است در صورتی که متهم قصاص شود یا حکم به . پرداخت دیه صادر گردد دیگر مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مورد نخواهد داشت مواردی که ضرر و زیان مورد مطالبه مربوط به نفس یا عضو نباشد مطالبه آن بلاشکال است.»

۵- برخی از قضات نیز در نظر مشورتی خود در زمینه ضرر و زیان هزینه‌های درمانی زائد بر دیه، قائل بر این شده اند که: «در مورد صدمات بدنی غیر عمدی غیر از دیه چیز دیگری به مصدوم تعلق نمی‌گیرد و صدور حکم زاید بر دیه ولو به میزان هزینه‌های درمانی متعارف خلاف موازین فقهی است.»

برداشت دوم

برداشت دوم برخلاف برداشت اول این است که مطالبه خسارات مازاد بر دیه جایز است آرا و نظرات قضایی ذیل موید این برداشت است. ۱ رای اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶-۱۳۷۵،۴،۵، بر خلاف آرای اصراری ۱۱۰ و ۱۶ که در برداشت اول ذکر شد ۱- خسارت و ضرر و زیان مازاد بر دیه را قابل مطالبه دانسته و بیان داشته است نظر به اینکه از احکام مربوط به دیات و فحوای مواد قانون راجع به دیات نفی جبران سایر خسارات وارده به مجنی علیه استنباط نمیشود و با عنایت به اینکه منظور از خسارت و ضرر و زیان وارده همان خسارت و ضرر و زیان متداول عرفی است لذا مستفاد از مواد ۳ و ۲ و ۱ قانون مسئولیت مدنی و با التفات به قاعده کلی لاضرر و همچنین قاعده تسبیب، و اتلاف لزوم جبران این گونه خسارات بلاشکال است.

۲- اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۱۳۷۹۹۲۹۷۹۷۹۲ برخلاف نظریه خود در شماره ۶۲،۸۲۳-۷،۳۳۷۶ خسارات مازاد بر دیه را جایز دانسته است. در این نظریه اخیر آمده است با توجه به قواعد لاضرر و نفی حرج و قاعده، تسبیب چنانچه محرز شود که در اثر عمل جانی، خسارتی بیش از دیه یا ارش بر مجنی علیه وارد شده است من جمله مخارج معالجه و مداوا، مطالبه آن از جانی که مسبب ورود خسارت بوده است منع شرعی ندارد و ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین و مقررات استاندارد و تحقیقات صنعتی مصوب ۱۳۷۱،۱۱،۲۵ نیز موید این نظریه است.»

۳ در نظر مشورتی اکثریت قضات در پاسخ به این سوال که آیا ضرر و زیان هزینه‌های درمانی زائد بر دیه قابل مطالبه است یا خیر؟ آمده است: «در صورتی که دیه مورد حکم کفای هزینه‌های درمان مصدوم را نکند دادگاه مکلف است در صورت تقاضای مدعی خصوصی حکم ضرر و زیان او را صادر کند ولو اینکه زائد بر دیه باشد.»

در این نظریه به آیه شریفه و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» و نیز قاعده لاضرر و لاضرار و بنای عقلامبنی بر قبح ظلم» استناد شده است.

۴- استفتائات از فقها

در اینجا به متن استفتایی که از چند تن از علمای بزرگ شده است اشاره میکنیم سؤال مورد استفتا این است:

آیا غیر از دیه سایر مخارج و هزینه‌های درمان و معالجه^۱ ناشی از جرم که مازاد بر دیه مقرر شرعی باشد قابل مطالبه هست یا نه؟ پاسخ به این استفتا از سه تن از مراجع چنین است:

- ۱ - آیت الله اراکی: غیر از دیه چیز دیگری از مخارج و هزینه‌های درمان مجنی علیه حق مطالبه ندارد. ۲- آیت الله گلپایگانی: در مواردی که دیه تعیین شده است جانی زاید بر دیه^۲ مقرر را شرعاً ضامن نیست
- ۳- آیت الله اردبیلی در مواردی که تعیین قیمت نشده یعنی موارد ارش الحکومه کسی میتواند این جهات را در نظر بیاورد و دیه معقولی تعیین کند و در موارد متعین و منصوص مشکل است اضافه خواسته شود.

۵- مقتضای اصل اولی

بهتر است که در مرحله اول اصل اولی در مسئله مورد نظر مشخص شود تا اینکه در هنگام شک به آن تمسک شود از جمله واضحات است که طبق مبانی فقهی و حقوقی اصل برائت ذمه شخص از پرداخت خسارات مازاد بر دیه است و ضمان جانی نسبت به پرداخت خسارات مازاد بر دیه باید دلیل داشته باشد.

۶- مقتضای اصول ثانوی

ادله ایی که میتوان به عنوان احکام ثانوی بدان برای اثبات مطالبه خسارات مازاد بر دیه بدان اثبات نمود، عبارتند از:

الف قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از جمله ادله ایی است که میتوان به واسطه آن حکم جواز به مطالبه خسارت مازاد بر دیه نمود این قاعده از مشهورترین قواعد فقهی است که در تمام ابواب فقه به آن استناد می شود و از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد موثر دارد و احکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است. با آنکه نصوص شرعی متعددی به عنوان مدرک قاعده مزبور مورد استناد فقها واقع شده است. اما بدون تردید، قبح ضرر و حسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار از احکامی است که عقل صرف نظر از متون شرعی یا ادله نقلی، به آن حکم می کند و از مستندات عقلیه است پذیرش این قاعده در میان صاحب نظران به حدی است که بعضی از آنها نیز آن را از قواعد مسلم بین فقها دانستند (عراقی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۰۱). البته استناد به این قاعده در مساله حاضر در صورتی است که مراد از قاعده لاضرر آن باشد که حقیقت ضرر در عالم تشریح نفی شده است. به عبارت دیگر هر حکمی که از سوی شارع وضع گردد و مستلزم ضرر باشد و یا این که بخاطر جعل حکمی بر بندگان ضرری وارد میشود چه ضرر بر شخص مکلف باشد یا بر دیگری در اسلام نفی شده است. با توجه به این گونه برداشت از قاعده و روایت لاضرر «لا» در معنای حقیقی خود استعمال شده است که همان نفی جنس به صورت حقیقی است و تردیدی نیست که رفع حکم ضرری از ناحیه شارع رفع حقیقی است زیرا اگر حکم ضرری وجود داشته باشد جایگاه آن در عالم تشریح است (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ یزدی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۵۶۲ و ۵۶۳؛ غروی، نائینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۰۱). البته بر اساس این نظریه از آن جا که در عالم واقع و تکوین ضرر وجود دارد می بایست کلمه ای را بعد از «لا» در تقدیر گرفت. یعنی بگوییم لا حکم ضرری فی الاسلام» به این معنا که در اسلام حکم ضرری وجود ندارد به نظر میرسد که این نظریه صحیح باشد زیرا استفاده ای که از سیاق حدیث شریف میشود آن است که رفع، رفع تشریحی است؛ زیرا مناسب مقام شارع مقدس و قانونگذار آن است که رفع و وضعش، رفع و وضع تشریحی باشد نه تکوینی؛ در واقع رفع و وضع تکوینی تابع همان اسباب تکوین است اگر اسباب موجود بود قهرا مسبب موجود میشود و إلا معدوم است علاوه بر این، قانونگذار در مقام امتنان است و تسالم بر این معنی است که وقتی پیامبر اکرم (ص) خطاب به سمره میفرمایند «أنت رجل مزار یعنی تو یک انسان مضر بر ضرر هستی و پس از آن میفرماید: لا ضرر و لا ضرار» هنگامی که رفع تشریحی و حکم حکم امتنانی بود مناسب با این معانی آن است که احکام شرعیّه مرفوع باشند از صفحه تشریح زیرا وجود احکام در هیچ جا جز عالم تشریح نیست و اگر خود قانونگذار آن را از عالم تشریح رفع کرد از عالم وجود حقیقتا و تحقیقا برداشته میشود؛ به جهت اینکه تشریح حکم عین تکوینش است. به تعبیر دیگر هویت حکم به تشریح است. به خلاف اینکه اگر رفع تکوینی دانسته شود قهرا رفع حکم به رفع موضوع ادعایی است. من مثل لا شک لکثیر الشک» «لا صلاة لجار المسجد إلا فی المسجد» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۵۸)

با حفظ این مطلب در صورتی که نسبت به خسارات مازاد بر دیه ضامن، نباشد ضرر بر مجنی علیه حاصل می‌شود که این منافات با مقتضای قاعده لاضرر دارد، در نتیجه قاعده لاضرر ضامن بودن جانی انتهایی نسبت به خسارات مازاد بر دیه است.

ب قاعده نفی حرج

عسر و حرج از عناوین ثانویه ای است که در تمام ابواب و فروع فقهی بر احکام و قوانین شرعی موثر است در نتیجه قاعده نفی عسر و حرج از قواعد بسیار مهمی است که در تعدیل و تکمیل قوانین شرعی نقشی اساسی دارد در معنای این قاعده باید گفت هرگاه از اجرای احکام اولیه مشقتی پدید آید آن تکلیف برداشته می‌شود این قاعده از اصول راهگشا در مسائل حقوقی به شمار می‌آید که در قوانین مدنی کشور جمهوری اسلامی ایران نیز وارد شده است دلیل آن نیز همان پشتوانه فقهی است که کشور ایران مبتنی بر آن احکام می‌باشد. نفی عسر و حرج در مواردی که وارد قوانین گشته موجب تحول حقوق امروزی در مرتفع نمودن بسیاری از مشکلاتی است که به سبب پابندی به اصول و اسلوب های کلی و قواعد عمومی خشک و بی روح و دارای انعطاف کم پدید آمده اند. این قاعده مستند به آیاتی چون «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ... حج، آیه (۷۸) و ... ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ ...» (مائده، آیه ۶) و «... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ ...» (بقره، آیه ۱۸۵) و روایاتی چون روایت عبد الاعلی مولى آل سام «قلت لأبي عبد الله عليه السلام عثرت فانقطع ظفري فجعلت على اصبعي مرارة فكيف اصنع بالوضوء؟ قال يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله عزّ و جلّ: قال الله ما جعلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ، امسح عليه امام صادق (ع) میفرماید که به زمین افتاده و ناخن وی جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته است، حال چگونه باید وضو بگیرد. امام (ع) می فرماید: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا روشن می‌شود؛ زیرا خداوند فرموده است که در دین بر حرجی قرار داده نشده است کلینی ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص (۱۰۳) و روایت موثقه ابی بصیر «عن ابی بصیر، قال، قلت لأبي عبد الله (ع) انا ناسف فرّما بلینا بالغدير من المطر یكون الى جانب القرية فيكون فيه العذرة و يبول فيه الصبي و تبول فيه الدابة تروث. فقال عليه السلام) ان عرض في قلبك منه شيء فقل: هكذا، یعنی امزج الماء ببيدك ثم توضأ فان الدين ليس بمضيق؛ لان الله عزّ و جلّ يقول: ما جعلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ ابی بصیر از امام میبرسد در سفرها چه بسا به برکه هایی بر میخوریم که در کنار آبادی است و انواع نجاسات در آن یافت می‌شود حضرت میفرماید آب را با دستت به هم بزن و سپس وضو بگیر؛ زیرا در این مضيقه و تنگنا نیست و خداوند می فرماید: «ما جعلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۷) و روایت محمد بن میسر «عن ابن مسكان قال: حدثني محمد بن ميثر قال سألت ابا عبد الله (ع) عن الرجل الجنب ينتهي الى الماء القليل في الطريق و يريد ان يغتسل منه و ليس معه انا يغرف به و يدها قدرتان؛ قال يضع يده ثم يتوضأ ثم يغتسل. هذا مما قال الله عزّ و جلّ ما جعلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ راوی در مورد مردی سؤال کرده که جنب است و در مسیر خود به آب خیلی برخورد کرده است و میخواهد با آن غسل کند، در حالی که هم فاقد ظرف است و هم دستهای وی آلوده به کثیفی و یا نجاست است و حضرت نیز در پاسخ گفته‌اند چون مورد از مواردی است که خداوند فرموده است: «ما جعلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»، این فرد ابتدا باید دستش را در آب فرو برده، وضو بگیرد و سپس غسل

کند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۹) و نیز اجماع و عقل استناد جسته اند محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۸۲-۸۹ در اینکه آیا مفاد ادله نفی حرج نفی احکام حرجی بطور حقیقت است یا مجاز، یا نفی حکم است به لسان نفی موضوع و یا اینکه در واقع مراد از آن نهی است میان علما اختلاف عقیده وجود دارد حق در مقام این است که مفاد قاعده لا حرج همانند قاعده لا ضرر نفی نفس حکم حرجی است. در واقع این معنی در قاعده مورد

بحث مؤدای آیه شریفه «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ خَرَجٍ» (حج آیه ۷۸) است و نیاز به تکلفاتی نیست که در قاعده ۱ لا ضرر» محققان ذکر کرده اند قواعد فقهیه، بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۹). لذا مضمون این قاعده نفی هرگونه ضیق و تنگی است که شامل هرگونه خرج خارجی است بدان معنی که هیچکس حق ندارد عملی را بر دیگری تحمیل کند که در نهایت او را در تنگنا قرار دهد این مسئله شامل قانونگذار و شارع مقدس نیز هست چراکه نباید احکامی را وضع نماید که مخاطبین خود را در ضیق و تنگی قرار دهد. بر همین اساس اگر شخص خسارت مالی یا بدنی بر کسی وارد آورد و از پرداخت هزینه های مربوطه شانه خالی کند در واقع مجنی علیه را در تنگنا و خرج قرار داده است و جانی نیز اگر خسارت وارده را در خصوص مازاد بر دیه جبران نکند، مجنی علیه را در معرض ضیق قرار داده است لذا لزوم تأمین و پرداخت غرامات وارده اعم از دیه و مازاد بر آن شخص جانی لازم می آید.

ج: بناء عقلا

بنای عقلا به معنای روض و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل، زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است (مظفر، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۳). البته مراد از سیره، سیره و عملی است که ناشی از فطرت و ارتکاز انسان ها باشد نه سیره ناشی از مبادی، دیگر مانند اجبار و ظلم حاکم ستمگر؛ ازینرو چه بسا به جای بنای عقلا تعبیر ارتکاز «عقلا» یا تعابیر مشابه را به کار برده اند (نائینی، ۱۴۰۶، ج ۳ ص ۱۹۲، عراقی، ۱۴۱۷، ج ۴، قسم ۲، ص ۲۴۱) سیره عقلا به تنهایی حجت و دلیل حکم شرعی نیست، مگر در صورت تأیید و موافقت شارع با مفاد آن شهید صدر راههایی برای اثبات حجیت بنای عقلا برشمرده و در نهایت معتقد است که اگر معصوم (ع) از یک سیره عقلایی منع کرده باشد با توجه به آن که راویان و اصحاب انگیزه قوی برای نقل و روایت آن داشتند، بی تردید منع مذکور به دست ما میرسد؛ بویژه اگر آن سیره عقلایی نزد مردم رایج و استوار باشد بنابراین عدم وصول مخالفت شارع، حاکی از عدم منع شارع از آن بنای عقلایی استصدا، ۱۹۷۸، ص ۱۷۸ - ۱۸۴؛ نائینی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۳) با حفظ این مطلب در مسئله مورد نظر بنای عقلا بر آن است که عدم جبران خسارتهای حاصل از کار دیگری ظلم به زیان دیده است و به تبع آن حکم میکنند که این زیان باید جبران شود و چون از سوی شارع مقدس در این مورد چیزی نرسیده است میتوان چنین درک کرد که وی نیز با چنین کاری موافق است مرعشی، ۱۴۲۷، ص ۱۸۸)

د: قاعده تسبیب

از جمله دلایل دیگری که قائلین به مشروعیت اخذ خسارت زاید بر دیه به آن تمسک کرده اند قاعده تسبیب است. قاعده تسبیب یکی از قواعد فقهی حقوقی است که دارای فوائد و ثمرات بسیار زیادی است و هم در حقوق مدنی و هم در حقوق کیفری کاربرد فراوان دارد از جمله در ماده ۳۰۷ قانون مدنی در بحث ضمان قهری آمده است موجبات ضمان قهری عبارتند از غصب و آنچه در حکم غصب است، اتلاف، تسبیب، استیفاء» بر اساس این قاعده اگر کسی بطور غیر مستقیم و مع الواسطه موجب تلف مال دیگری گردد، ضامن است و مسئول جبران خسارت می باشد اعم از اینکه موجب شدن عمدی باشد یا غیر عمدی و اعم از اینکه در اثر انجام فعلی باشد و یا در اثر ترک وظیفه. صاحب جواهر در مورد ضمان ناشی از تسبیب میگوید: «در این خصوص بین فقها اختلافی نیست و علاوه بر آن اخبار متعددی بر وجود چنین قاعده ای دلالت دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۴۶) از جمله این روایات می توان به دو روایت ذیل اشاره نمود:

۱- صحیح حلی؛ مطابق با مضمون این روایت حلبی میگوید از حضرت صادق (ع) پرسیدم اگر کسی چیزی در راه دیگری قرار دهد، به طوری که مرکب آن شخص در برخورد با آن رم کند و صاحبش را به زمین بزند، حکم قضیه چیست؟ حضرت

فرمود: «کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه»؛ یعنی صاحب هر چیزی که در راه مسلمین واقع شود و به آنها ضرر بزند، ضامن پیامدهای آن است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۰؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۵۵)

۲ صحیح زراره مطابق با مضمون این روایت زراره میگوید به حضرت صادق (ع) عرض کردم حکم کسی که چاهی در غیر ملک خویش حفر کند و عابری در حین عبور در آن بیفتد چیست؟ حضرت (ع) فرمود: علیه ضمان لان کل من حفر بئرا فی غیر ملکه کان علیه ضمان»؛ یعنی بر حفر کننده چاه ضمان است زیرا هر کس چاهی در غیر ملک خود حفر کند ضامن است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۰؛ طوسی، ج ۷، ج ۱۰، ص ۲۳۰).

در مسئله حاضر میتوان با تمسک به این قاعده گفت که جانی همه آنچه را که مجنی درمان خودش هزینه می کند، ضامن است چرا که او سبب این هزینه ها و بزه دیده نیز ناگزیر از هزینه هاست. بنابراین در چنین جایی «تسبب به خسارت و ضرر و زیان صدق می کند و در مانند این موارد سبب قویتر از مباشر است.

ل: ماهیت دیه

در صورتی که اگر دیه صرفاً یک مجازات باشد که بر مرتکب اعمال میشود در این صورت باید گفت طبق قواعد باب ضمان و مسئولیت مدنی، مجنی علیه میتواند افزون بر دیه ضرر و زبانی را نیز که بر اثر عمل، مرتکب متوجه وی شده است مطالبه کند اما اگر دیه را یک نهاد حقوق مدنی بدانیم که شارع برای جبران خسارت زیان دیده مقرر کرده است میتوان گفت که چون میزان این جبران خسارت در شرع معین شده است، نمیتوان چیزی علاوه بر دیه به عنوان جبران خسارت از مرتکب عمل مطالبه نمود.

بعضی از صاحب نظران دیه را مجازات دانسته اند صناعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۴، گلدوزیان ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۲۴۱. جعفری لنگرودی در تبیین دیه می نویسد

دیه، کیفری است نقدی که در هر یک از سه مورد، ذیل از مجرم به نفع مجنی علیه یا قائم مقام قانونی او گرفته میشود

۱- در صورت تراضی مجنی علیه یا قائم مقام قانونی (او و مجرم که به جای قصاص، دیه داده شود.

۲- در صورتی که رعایت شباهت مجازات با جرم مقدور نباشد؛ چنان که اگر بر اثر جرم استخوان جابه جا شود قصاص مقدور نیست...

۳- در موردی که قانون حکم به دیه کند؛ مانند قتل فرزند به دست پدر جعفری، لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۲).

در مقابل نظریه به تصریح بعضی از صاحب نظران منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۹، ص ۳۷ شوشتری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۸۹) و نیز مستفاد از سخنان فقها همچون فخر المحققین (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۱) ماهیت دیه جبران خسارات اقتصادی وارد بر مجنی علیه است. فخرالمحققین در بحث جریان حد زنا بر مجنون مینویسد:

«فقیهان شیعه اختلاف کرده اند در اجرای حد بر مجنون زمانی که مرتکب زنا شود... شیخان (مفید و طوسی ابن براج و صدوق قائل به جریان حد هستند؛ ولی سلا، ابن ادریس و مصنف علامه حلی قائل به عدم جریان حدند؛ همین قول نزد ما صحیح است؛ زیرا حد مجازات است سبب مجازات هم حرام بودن عملی است که نسبت به مجنون منتفی است برای این که حرمت حکم تکلیفی است و به هیچ وجه تکلیف، متوجه مجنون نیست فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۱)

از این سخنان میتوان قاعده ای کلی استنباط کرد که سبب مجازات حرام بودن فعل است؛ و چون در قتل خطایی فعل حرامی اتیان نشده، بنابراین مجازاتی هم متوجه آن نیست و ماهیت قتل خطایی، جبرانی است. مخالفان جبران زیان مازاد بر دیه. برای اثبات نظر خود دیه را مسئولیت مدنی و ضرر و زیان میدانند و اظهار می دارند که دیه چون امر مالی و ضرر و زیان است،

با پرداخت آن پرداخت هر ضرری فاقد مجوز قانونی و شرعی است ولی از آنجایی که دیه ضمان مالی محض نیست بلکه دارای ماهیت مستقل است نظر اینها در مورد عدم جواز جبران زیان مازاد بر دیه هنگامی میتوانست درست باشد که دیه را ضمان مالی (مسئولیت مدنی محض بدانیم که با پرداخت آن دیگر دلیلی برای پرداخت ضرر دیگری وجود ندارد اما ماهیت مستقل دیه چون با پرداخت زیان مازاد بر دیه تعارض ندارد، با پذیرش این نظر میتوان زیان مازاد بر دیه را نیز قابل مطالبه دانست.

نظریه مختار

بر فرض اینکه اگر نتوانستیم از دلایلی که ذکر شده وجوب پرداخت خسارتهای مازاد بر دیه را ثابت کنیم میتوانیم آن را با حکم ثانویه اثبات کنیم. بنابراین می توان چنین مقرر کرد که اگر کسی هرچند از روی اشتباه به کسی آسیبی برساند، باید هزینه های درمان او را بر حسب نیازهای روز به دولت بپردازد و دولت نیز درمان را بر عهده گیرد. ملاک و معیار این مطالب نیز حفظ پایداری نظام و مصالح همگانی و مراقبت از جان بزه دیدگان و تأمین تندرستی و درمان آنان است. بی تردید این ها در مصلحت اندیشی هایی که حاکم اسلامی عهده دار آن است جای دارد و در روزگار ما به سود همگان است بلکه خلاف چنین چیزی ستم و پایمال کردن حق بزه دیدگان است به گونه ای که با اطمینان میتوان گفت که قانونگذار اسلام آن را نمی پذیرد برای تبیین مطلب ر.ک: هاشمی شاهرودی ۱۳۷۵، ج ۵ و ۶، ص ۶۵).

راه حل قانونی

تعیین قانونی خسارت با توجه به نام آن عبارت است از اینکه قانونگذار به روشنی مبلغ خسارت را در قانون بیان میدارد و قاضی حق ندارد که مبلغ مقطوع را تغییر دهد. برخی معتقدند که جعل این مبلغ در قانون در مورد خسارتهای درد و رنج باید با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی و اجتماعی انجام شود تصمیم گیری در مورد ارزیابی خسارت های درد و رنج باید از نگاهی جامع به مسائل اقتصادی و اجرایی همراه باشد که این تصمیم تنها از عهده قانونگذار برمی آید. قانونگذار می تواند با توجه به اینکه سطح زندگی در یک کشور بالا رفته و ساعات کارگران کم شده است و در نتیجه آنان میتوانند اوقات فراغت بیشتری را بگذرانند و از سطح رفاه بالاتر برخوردار شوند مبلغ خسارت های درد و رنج را افزایش دهد چراکه در نتیجه ورود خسارت رفاه بیشتری از افراد سلب شده است.

تعیین توافقی

در این روش مبلغ قابل پرداخت برای خسارتهای درد و رنج ممکن است قبل یا بعد از ایراد زیان تعیین شود. باید گفت که این نوع از تعیین خسارت که در مسئولیت قراردادی متعارف است به صورت وجه التزام و شرط کیفری علیه طرفی در ضمن عقد مقرر می شود که به طرف مقابل خسارتی وارد میکند. چنین شرطی در صورتی که مغایر با قوانین و نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد معتبر و لازم الاجرا است (امامی، ۱۳۶۵: ۱/۶۴). ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران نیز آن را پذیرفته است در مورد خسارتهای درد و رنج نیز این شرط در صورتی که از مصادیق سوء استفاده از حق محسوب نشود معتبر است. (نقیبی،

(۱۳۸۸:۱۲۷)

پیشنهاد

برای حل مشکل ارزیابی خسارتهای درد و رنج پیشنهاد میشود خسارت های درد و رنج از طریق برنامه ها یا قالبها یا طرحها ارزیابی گردیده و در یک چارچوب مشخص سازماندهی شود. نوعی خسارت یکدست برای گروههای مشابهی از خسارتهای مقرر شده و از اختلاف و تغییر در آراء در گذشته در مورد خسارتهای درد و رنج ناشی از صدمات مختلف صادر شده است تنظیم گردد. قیمت گذاری و ارزیابی خسارتهای درد و رنج همیشه به عنوان چالشی پیش روی حقوق دانان و قضات وجود داشته است خسارتهای درد و رنج که در حقیقت به طور دقیق قابل تقویم به پول نیست کاستیهای خاص خودش را داراست. به نظر می رسد شیوه هایی نظیر استفاده از نظریه تمایل به پرداخت پول برای فرار از خطر و یا تعیین مبلغی مقطوع برای خسارتهای درد و رنج در کشورهایی که این تحقیقات در آنها انجام گردیده عملی تر باشد چراکه این شیوهها با در نظر گرفتن شرایط خاص هر جامعه پیشنهاد شده است و در حقوق ایران هنوز بستری برای کارآیی آن فراهم نشده است تحقیقات بیشتری لازم است تا بتوان راه حلی را برای ارزیابی دقیق اینگونه خسارتهای به پول یافت که متناسب با شرایط حاکم بر جامعه ایران و حقوق و قواعد و ارزشهای اجتماعی خاص جامعه ایران باشد. از آنجا که هنوز تحقیقات جدی در زمینه ارزیابی دقیق خسارتهای درد و رنج و آسیب وارده به پول در کشور ما انجام نگرفته است. برای مثال در تعیین مبلغی برای جبران خسارت های درد و رنج ناشی از صدمات جسمی از هزینههای پزشکی الهام بگیرند در صورتی که شرایط حادثه نیز استعداد استفاده از چنین شیوه ای را داشته باشد. قانونگذاری میتواند با استفاده از تحقیقات جامعه شناسان و اقتصاد دانان تدابیری برای ارزیابی اینگونه خسارت ها به پول ارائه دهد و برای مثال و به عنوان اولین گام جدولی را نظیر طبقه بندی انواع خسارتهای درد و رنج با توجه به شدت و ضعف آنها با تعیین مبالغی معین در اختیار قضات بگذارد تا ایشان به صورت اختیاری و با در نظر گرفتن شرایط پرونده از این جدول راهنما بهره جوید و رویه قضایی با دقت و پشتکار و با در نظر گرفتن انصاف و عدالت روزنه ای را برای جبران و ارزیابی اینگونه خسارت ها به پول بگشاید.

بحث و نتیجه گیری

خسارت های بدنی از نظر حقوق دانان واجد دو جنبه مادی و معنوی اند. بدون شک خسارت مربوط به زیان معنوی ناشی از لطمات بدنی از قلمرو رجوع طلبکاران بیرون است. اما طلبکاران حتی بر بخش مادی زیانهای بدنی خسارت از کارافتادگی افزایش هزینه های زندگی، هزینه معالجه و (درمان هم حق ندارد همراه بودن خسارتهای بدنی با خسارت مالی ناشی از هزینه های معالجه بستری شدن و ... نباید موجب یکی دانستن این دو نوع خسارت گردد. زیرا در بسیاری موارد ممکن است صدمه بدنی منجر به زیان مالی، نشود، به عنوان مثال ضرب و شتم و ایراد جرح یا تغییر رنگ پوست و یا آسیب ساده یک عضو بدن ممکن است هیچ نوع ضرر مالی را به دنبال نداشته باشد. از سوی دیگر وجود دو خسارت با ماهیت متفاوت در یک حادثه باعث تغییر ماهیت آن دو و یکی شدن آنها نمیشود در صدمات بدنی که به همراه یا به تبع آن خسارت مالی نیز بوجود می آید، این دو نوع خسارت دارای دو ماهیت مختلف بوده بروز نموده و از یکدیگر کاملاً متمایز هستند. یک حادثه در به اجماع فقهای امامیه جانی را نسبت به هزینههای درمان ضامن شمرده اند و بر این باورند که در کتاب و سنت در برابر جنایت به قصاص یا دیه اکتفا شده است و شارع در مقام بیان جبران صورت های گوناگون زیادی ناشی از جنایت به هزینههای معالجه اشاره نکرده است از آنجا که اقتضای بر دیه در این مقام مانند تصریح به عدم ضمان نسبت به دیه های مذکور است فقهای اسلامی بدون اختلاف سقف بودن دیه نظر داده اند و آن را همه چیز دانسته اند که مجنی علیه به سبب جنایت استحقاق می یابد.

منابع

- ۱- ابن منظور جمال الدین محمد بن الکریم (۱۴۰۹) لسان العرب، بیروت.
- ۲- امام خمینی (ره)، سیدروح الله (۱۴۰۴) تحریرالوسیله، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
- ۳- امامی، حسن (۱۳۶۵) مسئولیت مدنی کتابفروشی اسلامیة نشریه دانشکده حقوق دانشگاه ملی، تهران.
- ۴- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۳۶۵) کفایه الاصول انتشارات امام المهدی، قم
- ۵- آخوندی، محمد، (۱۳۶۷) آیین دادرسی کیفری، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۶- آشوری، محمد (۱۳۷۶) آیین دادرسی کیفری انتشارات سازمان سمت، تهران. بجنوردی،
- ۷- میرزا حسن (۱۴۱۳) قواعد الفقهیه مؤسسه اسماعیلیان، قم.
- ۸- جعفری لنگرودی محمد جعفر (۱۳۶۷) ترمینولوژی، حقوق کتابخانه گنج دانش، تهران.
- ۹- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴) مبانی تکمله المنهاج انتشارات اسلامی، قم.
- ۱۰- داراب، پور مهربان (۱۳۷۷) قاعده مقابله با خسارت انتشارات گنج دانش تهران
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۲- سلطانی، نژاد هدایت الله (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی خسارت، معنوی، میزان دانش، تهران.
- ۱۳- صفائی سید حسین (۱۳۷۶) حقوق مدنی انتشارات سمت، تهران.
- ۱۴- طاهری محمد علی، (۱۳۸۵) دانشنامه، خصوصی نشر محراب فکر، تهران.
- ۱۵- علامه مجلسی محمد باقر (۱۴۰۹) بحار الانوار، دار الاحیاء التراث عربی، بیروت.
- ۱۶- فیوضی، رضا، (۱۳۵۶) مسئولیت بین المللی انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴) حقوق مدنی (اموال و مالکیت انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱) حقوق مدنی انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴) مسئولیت مدنی انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۲۰- محقق اردبیلی، احمد (۱۴۱۵) مجمع الفائده، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- ۲۱- محقق داماد مصطفی (۱۳۷۴) قواعد فقه انتشارات سازمان سمت، تهران.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷) تفسیر، نمونه دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۳- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۱۵) فقه الحدود و تعزیرات مکتبه امیرالمؤمنین، قم.
- ۲۴- نقیبه سید ابوالقاسم (۱۳۸۸) حریم خصوصی در مناسبات و روابط اقتصادی خانواده، انتشارات تهران تهران